



شخصیت‌پردازی در ادبیات نمایشی

فریندخت زاهدی

مقاله زیر تحقیقی است درباره شخصیت‌پردازی در ادبیات نمایشی که در کتابی با همین عنوان با پشتیبانی شورای پژوهشی دانشگاه تهران در دست مطالعه است. از آنجا که در منابع موجود به‌طور مستقل به این مقوله پرداخته نشده است و بررسی شخصیت آثار نمایشی همواره به اختصار در قالب بخشی از تحلیل یک اثر نمایشی انجام گرفته است، تحقیقی بنیادین و مستقل در این زمینه ضروری به نظر می‌رسید. این ضرورت از آنجا احساس شد که در طول پانزده سالی که به تدریس ادبیات نمایشی اشتغال داشته‌ام شاهد سردرگمی دانشجویانی بوده‌ام که در خلق و تحلیل آثار نمایشی دچار نارسایی و اشتباهات تحلیلی در پرداخت شخصیت بوده‌اند و امکان دستیابی به منبعی مستقل که به‌طور مشخص به این مقوله پرداخته باشد، نداشته‌اند. در این مقاله سعی شده است با نگاهی نو و متفاوت به طبقه‌بندی انواع شخصیت در ادبیات نمایشی پرداخته شود. در این رده‌بندی شخصیت‌های نمایشی با چهار ویژگی متفاوت طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از شخصیت‌های اسطوره‌ای، شخصیت‌های افسانه‌ای، شخصیت‌های واقع‌گرا و شخصیت‌های مدرن. این مقاله در دو بخش جداگانه ارائه خواهد شد. در بخش اول به بررسی کلی از شخصیت اسطوره‌ای و افسانه‌ای در ادبیات نمایشی می‌پردازیم و بخش بعدی اختصاص به شخصیت‌های واقع‌گرا و مدرن خواهد داشت.

فلسفی‌ترین اندیشه‌ها بوده است و این از طریق تجسم شخصیت و عملکرد او صورت گرفته است. عنصر شخصیت در ادبیات نمایشی به‌عنوان وسیله‌ای جهت ایجاد ارتباط، بین انسان‌ها اصلی بنیادین در جهت پالایش روابط انسانی بوده که این همان هدف متعالی هنر نمایش می‌باشد. با خلق شخصیت در آثار دراماتیک، نویسنده سعی در تصویر طبیعت‌های انسانی با همه پیچیدگی‌ها و گوناگونی‌هایش دارد. و در پرداختن به این مهم‌گاه با تأکید بر عمل انجام‌گرفته از طرف شخصیت و گاه با تأکید بر دیالوگ و زمانی با

زندگی تخیلی از زمانی آغاز می‌شود که نویسنده به شخصیت‌هایی که قادرند ما را به واقعیت خود متقاعد سازند، زندگی می‌دهد. این داستان از دیرباز همچنان ادامه داشته است و امروز نیز شخصیت پرداخته‌شده در ادبیات، چه از نوع داستانی و یا دراماتیک آن به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین عنصر آن اثر ادبی مورد توجه و بحث و گفت‌وگو می‌باشد.

شعر دراماتیک یا به عبارت دیگر تخیل به‌نمایش درآمده در میان شش هنر، همواره وسیله‌ای برای پرداختن به انتزاعی‌ترین و

قراردادن شخصیت در یک موقعیت خاص و بسط آن موقعیت، حرکت نمایشی را طراحی می‌کند اما روند حرکت نمایشی به هر ترتیب که انجام گیرد شخصیت می‌بایست دارای خصوصیات قابل قبول انسانی باشد و انگیزه‌های منطقی و قابل توجیه در رفتار و یا تغییر رفتار داشته باشد. پرداختن به خصوصیات فیزیکی و روانی و به‌طور کلی ابعاد مختلف شخصیتی این امکان را فراهم می‌آورد تا به درجه توانایی یک شخصیت پی ببریم و همین بررسی توانایی شخصیت در یک اثر ادبی، نوع شخصیت به‌کارگرفته‌شده در اثر را، تعیین می‌کند. در شناخت انواع شخصیت‌هایی که در تاریخ ادبیات دراماتیک به آنها پرداخته شده است می‌توان تقسیم‌بندی چهارگانه‌ای قایل شد که شاید کلی‌ترین تقسیم‌بندی ممکن از انواع شخصیت در ادبیات دراماتیک باشد. این تقسیم‌بندی عبارت است از:

شخصیت اسطوره‌ای، شخصیت افسانه‌ای،

شخصیت رآلیستی و شخصیت مدرن

شاید بتوان بخش‌بندی جزئی‌تر و متوسط‌تری از انواع شخصیت ارائه داد اما خصوصیت این تقسیم‌بندی، جمع‌آوری ویژگی‌های کلی شخصیت است که ذیل این عناوین چهارگانه گرد می‌آیند.

این گفتار می‌کوشد تا ویژگی‌های هر یک از انواع شخصیت‌های ذکرشده را نشان دهد و شمایی کلی برای شناخت هر یک از آنها ارائه کند.

فروید که یکی از پیشتاژان روانشناسی جدید است اساطیر را ابزاری برای بیان امیال بشری می‌داند؛ بدین معنا که هر جا بشر ابتدایی از بیان علت نیازهای ابتدایی خود عاجز می‌شد برای آن نیاز خدایی می‌ساخت و آن را به شکلی مبالغه‌آمیز صاحب قدرت و منشأ آن نیاز می‌پنداشت، بونگ،

اساطیر را نمودهای ضمیر ناخودآگاه جمعی (گروهی) تعریف کرد و برخلاف نظریه فروید آن را مقدم بر ضمیر ناخودآگاه فردی می‌دانست. به اعتقاد او اساطیر، کهن‌الگو یا آرکه‌تایپ‌هایی هستند که بیانگر نیازها و ایده‌های ناخودآگاه جمعی اقوام ابتدایی می‌باشند.

عده‌ای دیگر از پژوهندگان که گرایش زبانشناختی در تحقیق اساطیر دارند، اسطوره را نتیجه پیدایش خط و پریشانی زبان می‌دانند و استدلال ایشان مبتنی بر عجز بشر در بیان و انتقال صریح بسیاری از مفاهیم است. بشر اولیه برای تفهیم منظور خود شخصیت اغراق‌شده ذهنی را جایگزین مفهوم بیان‌ناشدنی مورد نظر خود می‌کرد و از این طریق به بیان مفهوم خویش می‌پرداخت. به عنوان نمونه عبارت «طلوع آفتاب به دنبال فلک می‌آید» به زبان اساطیری این‌گونه بیان می‌شد «آپولون در تعقیب دافنه دوشیزه فلک است». آپولون که خدای دانایی و روشنایی است به جای روشنایی طلوع آفتاب و دافنه به جای فلک جایگزین می‌شد و از آن پس این اسطوره برای بیان مفهوم روز و شب به‌کار گرفته می‌شد.

اما مشخص‌ترین ویژگی اسطوره که در میان تمام تعاریف مشترک به نظر می‌رسد قدرت فوق‌بشری اسطوره است. در واقع اسطوره نمونه‌ای ازلی و ابدی است و قادر به انجام اعمالی است که هیچ انسان عادی توانایی انجام آن را ندارد. یک اسطوره همیشه به واقعه‌ای ربط پیدا می‌کند که یا قبل از آفرینش جهان رخ داده، یا در اوایل آفرینش و یا در روزگاران بسیار قدیم اما آنچه که به اسطوره ارزش عملی می‌بخشد بالقوه بودن آن در تبیین الگوهای خاصی است که عموماً جاودانه هستند و به امروز و دیروز و آینده می‌پردازد. اسطوره سند تاریخ تمدن انسان است و

وسيله‌ای است که محققین در زمینه‌های مختلف فرهنگی توانسته‌اند از آن جهت ارایه الگوهای جهانی تفکر استفاده کنند.

از آنجا که هدف ما بررسی نحوه عملکرد شخصیت اسطوره‌ای در ادبیات نمایشی می‌باشد، علاوه بر ارزش نمادین و یا تمثیلی آن، طرح و مضمون اسطوره را که همواره الگوهای جهانی از انگیزه و رفتار و سلوک را ارایه کرده و کهن‌نمونه‌های شخصیتی را در ادبیات رقم زده است مورد توجه قرار می‌دهیم.

در میان شخصیت‌های خلق شده در آثار تخیلی، شخصیت اسطوره‌ای از نظر ماهیت با انواع دیگر شخصیت‌ها متفاوت است به این معنا که دارای برتری نوعی نسبت به افراد دیگر و همچنین نسبت به پیرامون خود می‌باشد. این برتری که ناشی از تبار خدایی این شخصیت اسطوره‌ای است ویژگی‌هایی را در او باعث می‌شود که او را در مقامی بسیار بالاتر از انسان عادی قرار می‌دهد.

به‌طور کلی در حوزه ادبیات یونان باستان، اساطیر در سه دوره حضور می‌یابند: دوره اول دوره حماسی یا عصر هومری است. در این دوره ما صرفاً با سلسله حوادثی که بر شخصیت‌های اساطیری گذشته سروکار پیدا می‌کنیم و این حدوداً به قرن‌های هشتم و نهم قبل از میلاد بازمی‌گردد. برای دومین بار، یعنی در حدود قرن پنجم ق.م. اساطیر بار دیگر در ادبیات حضور می‌یابند که این بار به صورت شخصیت‌های نمایشی است. در حالی که در عصر حماسه تنها به روایت حوادث مربوط به زندگی شخصیت‌های اساطیری پرداخته می‌شد، با پیدایش تراژدی، انگیزه‌های شخصیت نمایشی اهمیت می‌یابد و اساساً تبدیل شخصیت حماسی به دراماتیک با بررسی انگیزه شخصیت در دست‌زدن به عمل

ممکن می‌شود. در این پرداخت جدید از اسطوره در ادبیات نمایشی امکان شناخت جامع و همه‌جانبه از تفکر حاکم بر فرهنگ عصر طلایی به دست می‌آید. چنانچه به گفته «دیده‌رو»^۱ ادبیات را حقیقتی‌ترین تاریخ بدانیم، شخصیت‌های اساطیری پرداخته شده در ادبیات نمایشی را می‌توان وسیله‌ای جهت بیان اندیشه‌ها و موقعیت انسان در جهانی پسر رمز و راز و عصری پرتب و تاب دانست که یکی از پرافتخارترین دوره‌های تاریخ تمدن بشری است.

در دوره سوم حضور اساطیر در فرهنگ یونانی از اساطیر برای بیان مفاهیم فلسفی استفاده می‌شود. فلاسفه در این زمان شاید به علت نارسایی زبان در انتقال مفاهیم پیچیده فلسفی، بهترین روش را برقراری دیالوگ بین شخصیت‌های اساطیری تشخیص دادند و به این ترتیب شخصیت‌ها حضوری مجدد در فرهنگ و ادب یونانی پیدا کردند.

و اما در بررسی ویژگی‌های شخصیت اساطیری در ادبیات نمایشی که موضوع مورد بحث ما است. آنچه بیش از هر چیز قابل توجه می‌نماید توانایی فوق‌انسانی اوست که شخصیت را به قهرمانی والا با قدرتی فزاینده از انسان عادی بدل می‌نماید که هرچند این نوع شخصیت از حیاتی شبیه انسان عادی برخوردار است اما، از آنجا که از تبار خدایان است با قدرتی فوق‌انسانی به تبیین کلیات عام انسانی می‌پردازد و این چنین است که نمونه‌هایی ازلی و ابدی از رنج انسانی به صورت شخصیت‌های نمایشی در تراژدی خلق می‌شوند و تاریخ این هنر را که سرشار از مرگ‌ها و رستاخیزهای قهرمانانه است رقم می‌زند. به گفته رولان بارت^۲:

نشانه مشخص این نیمه خدا اندیشه او،

شور و شوق او و شناخت و مهارت او در دست زدن به عمل است و همین انتخاب در اندیشه و عمل، شخصیت تراژیک را از نظم حاکم بر جهان پیرامون او خارج می‌کند بدون اینکه بتواند به او قدرتی همسان قدرت خدایان ببخشد.

از اینجاست که شخصیت اساطیری در دنیایی مالا مال از غم و رنج لاعلاج و بی‌پایان دست و پا می‌زند و به نیرویی بزرگ برای مقاومت قهرمانانه در مقابل سرنوشت بدل می‌شود. مقاومتی همچون مقاومت، ادیپ^۳ و یا آنتیگن^۴. در کشمکش بین قهرمان اساطیری با سرنوشت و آنچه که خدایان برای او رقم زده‌اند، «شکست قهرمان تراژدی، شکست عدالت خدایان است.»^۵ از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت اساطیری اختیار اوست در مقابل جبر خدایان، چنانچه می‌بینیم که ادیپ از همان ابتدای نمایشنامه بنا به انتخاب خود اقدام به تغییر سرنوشت رقم زده شده از سوی خدایان می‌کند و از دیاری که تصور می‌کند زادگاه اوست و پدر و مادری که حقیقی‌شان می‌پندارد می‌گریزد تا بتواند سرنوشت خود را به دست خود رقم زند. در پایان نیز هرچند که گرفتار سرنوشت غیرقابل گریز می‌شود اما، به اختیار و خواست خود و نه به فرمان خدایان و یا به درخواست تقدیر، به دست خود چشمانش را کور می‌کند. این موقعیت آبرونیک یا دوگانه‌ای که شخصیت اساطیری دست به گریبان آن است، در عین حال که آزادی او را محدود می‌کند، انگیزه‌ای است برای به حرکت درآوردن او به طرف آزادی و عدالت.

شخصیت افسانه‌ای

هنگام طبقه‌بندی فرد در گونه‌های شخصیت نمایشی، لازم است برای شخصیت افسانه‌ای

اهمیت به خصوصی قایل شویم. افسانه را می‌توان روایتی مخلوق ذهن بشر دانست که در آن امیال و خواست‌های دست‌نیافتنی خود را به سرگذشت و سرانجام شخصیت‌های فوق‌العاده محول کرده است تا در دنیایی خیالی و رویایی دلپذیر لباس تحقق ببوشد. ضرورت خلق قصه‌ها و افسانه‌ها و جوه اشتراک موجود در جنبه‌های مهم ساختاری آنها را در فرهنگ‌های مختلف باید در محدودیت‌های زندگی و موقعیت‌های اولیه انسانی جست‌وجو کرد. افسانه‌ها در دنیایی غیرواقعی و بدون زمان و مکان شکل می‌گیرند و قهرمانان این سرزمین‌های غیرواقعی پلشتی‌ها را از میان برمی‌دارند، قلمرو پادشاهان را تسخیر می‌کنند و با شاهزادگان ازدواج می‌کنند و خلاصه سربلند و موفقی از میان بوته‌های تجربه پیروزمندانه عبور کرده به گنجینه حیات‌بخش شناخت و آگاهی می‌رسند.

شخصیت‌های پرداخته شده در قصه‌ها و افسانه‌ها و یا حماسه‌های عامیانه نیز عموماً دارای توانایی فوق‌انسانی هستند و خصلت‌های خود را از ویژگی‌های افسانه دریافت می‌کنند. این نوع شخصیت نسبت به افراد دیگر و همچنین نسبت به محیط خود از درجات بالاتری برخوردار است و اعمال او حیرت‌انگیز و شگفت‌آور است که گاه به شکل شاهزاده‌ای زیبا و زمانی در هیبت دیوان و پریان و یا حیوانات سخنگو و یا جادوگران ظاهر می‌شود.

همچنان که اشاره شد این شخصیت‌ها هم مانند شخصیت‌های اساطیری دارای توانایی‌های فوق‌انسانی هستند اما تفاوت این دو نوع شخصیت در منبعی است که این توانایی را کسب می‌کنند. شخصیت‌های افسانه‌ای که به قولی برداشتی از خدایان ازپافتاده هستند، بنا بر نیازهای

مادی و آمال و آرزوهای انسانی شکل گرفته‌اند و در اصل بیانگر خواست‌ها و ایده‌آل‌های انسان‌هایی هستند که آنها را ساخته‌اند. به همین دلیل این نوع شخصیت توانایی لازم را به دست خود فراهم می‌آورد و دارای قدرت‌های اکتسابی است، برخلاف شخصیت‌های اساطیری که به دلیل تبار آسمانی‌شان از قدرت داده‌شده از طرف خدایان برخوردارند. و تفاوت اصلی در برتری نوعی و برتری درجاتی است.

بررسی شخصیت افسانه‌ای و نحوه به‌کارگیری آن در ادبیات نمایشی نیازمند بررسی همه‌جانبه از این نوع شخصیت است. با توجه به این منظور طبقه‌بندی دقیق‌تری از شخصیت‌های افسانه‌ای ضروری به‌نظر می‌رسید که آنها را به شخصیت‌های جادویی، قهرمانی، رمانتیک و تاریخی دسته‌بندی کردیم تا بتوانیم تعریف روشن‌تری از هر یک از آنها بدهیم.

در میان شخصیت‌های افسانه‌ای آن دسته‌ای که از نوع جادویی به حساب می‌آیند متعلق به دنیایی غیرواقعی هستند و از وسایل جادویی برای موفقیت و دست‌یافتن به هدف خود استفاده می‌کنند چنان‌که برای مثال چنین شخصیتی برای ساختن یک کشتی نیاز به مهارت ندارد و استفاده از کلمات جادویی همان کار را برای او می‌کند و چنانچه همه کلمات را برای به‌کارگیری طلسم به یاد نیاورد و یا به هر صورت نتواند به تنهایی از عهده کار برآید از طریق درآمیختن با جادوگران خوب یا بد می‌تواند از قدرت جادویی آنان استفاده کند. و همواره مجهز به وسایلی جادویی از قبیل فرش پرنده، چراغ جادو، کفش جادو، عصای جادو و یا مهرگیا است که تضمین‌کننده قدرت فوق‌طبیعی اوست و او را در گذشتن از مرزها و محدوده‌های انسانی یاری می‌دهد و این

امکان را فراهم می‌آورد تا ورای توانایی‌های انسان عادی عمل کند. نمونه‌های به‌کارگرفته‌شده از این نوع شخصیت در ادبیات دراماتیک شخصیت‌های جادوگران در نمایشنامه «مکبث»^۱ و یا شخصیت‌های شکسپیر می‌باشند و همچنین از شخصیت مفیستوفلس^۲ در نمایشنامه «فاستوس» اثر کریستوفر مارلو می‌توان نام برد که دارای قدرتی جادویی است و می‌تواند همه محدوده‌های زمانی و مکانی را درهم ریخته و با قراردادن فاستوس در دنیایی کاملاً غیرواقعی و خارج از محدوده‌های انسانی به هدف خود نایل شود.

شخصیت‌های قهرمانی خلق‌شده در قصه‌ها و افسانه‌ها معمولاً در موقعیتی مملو از کشمکش‌های پرماجرأ قرار می‌گیرند که هدف‌شان به‌جا‌گذاردن تأثیری شگرف از دل‌آوری و شجاعت روحی است. در حوادث مربوط به این نوع افسانه، شخصیت مرتباً در موقعیت‌های غافلگیرکننده، شگفت‌انگیز و متضاد قرار می‌گیرد. این نوع شخصیت همواره از دشمنی رودررو یا پنهان بیمناک است و در آغاز ضعیف و کم‌توان و ناخشنود از ناهنجاری‌ها است، اما به تدریج در روند قصه از قدرتی شکست‌ناپذیر بهره‌مند می‌شود و در پایان ماجرا به ناهنجاری‌ها و بی‌عدالتی‌ها غلبه کامل می‌کند. نمونه‌های معروف از این نوع شخصیت‌های افسانه‌ای عبارتند از رابین‌هود^۳، سندباد بحری و یا حسین کرد شبستری و یا شخصیت‌هایی که از دیرباز در ادبیات عامیانه بر سر زبان‌ها بوده‌اند و در دوره‌های مختلف دست‌مایه آثار نمایشی قرار گرفتند مانند هاملت شاهزاده دانمارکی که دقیقاً دارای ویژگی‌های شخصیت قهرمانی افسانه‌هاست و در روندی رنج‌آلود از فراز و فرود حوادث عبور

می‌کند و پیروز و سربلند به حقیقت دست یافته و تحقق عدالت را باعث می‌شود، هرچند که در این راه جان خود را از دست می‌دهد. نمونه دیگر شخصیت ویولا^۹ در نمایشنامه شب دوازدهم اثر شکسپیر می‌باشد که همچنان برگرفته از افسانه‌های قهرمانی است و او نیز در روندی پرپیچ و خم، حوادثی بسیار را پشت سر نهاده و به سرانجامی خوش دست می‌یابد.

شخصیت رماتیک در افسانه‌ها خصوصیتی آمیخته با شخصیت قهرمانی دارد با رگه‌هایی قوی از دلدادگی، عشق به میهن و سرسپردگی به ارزش‌های معنوی. این نوع شخصیت شجاعانه از شمشیر و کمان خود استفاده می‌کند، سفری پرشور از عواطف و احساسات دارد و در راه عشق از هیچ‌گونه خطری روی بر نمی‌تابد و چه بسا با قرار گرفتن در موقعیتی تراژدیک به سرنوشتی غیرقابل پیش‌بینی گرفتار آید که در این صورت مرگ یا انزوای قهرمان در افسانه‌های رماتیک بیانی از مرگ طبیعت است و حال و هوایی ایجاد می‌کند که به بهترین وجه به صورت مرثیه‌ای بیان می‌شود. در افسانه‌های رماتیک که مضمونی تراژدیک دارند مرگ غیرقابل اجتناب و برخلاف جهت شگفتی‌ها عمل می‌کند. در اینجا از آن‌دسته از حوادث شگفت‌انگیز که در سایر افسانه‌ها به نحوی غیرمترقبه عامل پیروزی قهرمان می‌شود خبری نیست و آنچه شگفت‌انگیز است عواطف و احساسات نشأت‌گرفته از طبیعت شخصیت رماتیک است. نظیر این شخصیت‌ها که ریشه در ادبیات شفاهی داشته‌اند و سپس از طریق ادبیات نمایشی مقبولیت جهانی یافتند می‌توان از رومئو و ژولیت نام برد. سرنوشت این دو جوان عاشق در مرگ نابه‌هنگام آنها تابع آن‌دسته از معیارها و قوانین سنتی است که قوانین طبیعی حاکم بر عشق

و آزادگی را به ناهنجاری کشانده و آنها را که علیه این ناهنجاری و عدم تعادل در روابط انسانی عصیان کرده‌اند به نابودی می‌کشاند. مرگ رومئو و ژولیت^{۱۰} چنان‌که گفتیم بیانی سمبلیک از مرگ طبیعت و نادیده گرفتن قوانین مربوط به طبیعت می‌باشد که به شکل مرثیه‌ای حکایت می‌شود. نمونه دیگر از این نوع شخصیت‌ها اتللو^{۱۱} و دزدمونا^{۱۲} می‌باشد که همچنان برگرفته از افسانه‌های عامیانه هستند و مرگ آنها ناشی از افراط و تفریط در گرایش‌های عاطفی و احساسی است و همین عدم تعادل لازم بین عقل و دل و خارج شدن از هنجارهای طبیعی حاکم بر زندگی انسان آن‌دو را به ورطه هلاک می‌کشاند. احساس‌گرایی اغراق‌آمیز حاکم بر سرنوشت این نوع شخصیت‌ها معمولاً ترس و ترحم را به شدت برمی‌انگیزد و قضاوت اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اما نمونه‌های دیگری از شخصیت رماتیک افسانه‌ای وجود دارند که نمونه‌های بارز عشق به میهن هستند و در ادبیات نمایشی از آنها بسیار استفاده شده است مانند «ویلهلم تل»^{۱۳} در نمایشنامه‌ای به همین نام از شیلر که برای آزادی میهن خود کمان می‌کشد و یا آرش کمانگیر شخصیت افسانه‌ای ایرانی که هر دو از دل افسانه‌ها درآمده‌اند.

نکته قابل توجه در مورد شخصیت‌های قهرمانی و رماتیک در افسانه‌ها توانایی این نوع شخصیت‌هاست که به صورت فضیلت‌های کسب‌شده انسانی جلوه‌گر می‌شود و تعیین‌کننده معیارهای برجسته عاطفی، اخلاقی و انسانی است.

شخصیت تاریخی در قصه‌ها و افسانه‌ها و یا حماسه‌های عامیانه نیز از جمله شخصیت‌هایی

هستند که روزگاری واقعیت تاریخی داشته‌اند و حوادث مربوط به زندگی آنان در ارتباط تنگاتنگ با حوادث تاریخی است. در این نوع افسانه‌ها با برداشت عاطفی و احساسی شخصیت از یک واقعه تاریخی مواجه هستیم. شخصیت‌های افسانه‌ای تاریخی جلوه‌های گوناگونی در عرصه فرهنگ جوامع دارند و گاه به صورت نقش حک شده بر کوزه یا کتیبه‌ای و گاه به شکل قصه و افسانه و یا گونه‌های دیگری از عناصر فرهنگی بازتاب پیدا می‌کنند. این نوع شخصیت از درجات بسیار بالایی توانایی برخوردار و خدمتگزار ملت و مدافع محرومان است و سبیل شجاعت و وظیفه‌شناسی به حساب می‌آید. افسانه‌های مربوط به سرگذشت بودا، نوشیروان، قیصر، ریچارد شیردل و یا السید و ردگونه شاهزاده خانم ایرانی خواهر فرهاد چهارم اشکانی از این شمارند و افسانه‌های مربوط به بعضی از شخصیت‌های تاریخی نامبرده در بالا دستمایه اولیه برای خلق آثار نمایشی بسیاری قرار گرفتند که از میان آنها می‌توان به سرگذشت سزار اشاره کرد در اثری به نام ژولیوس سزار^{۱۴} نوشته شکسپیر^{۱۵} و یا از السید^{۱۶} و ردگونه^{۱۷} نام برد که توسط کرنی^{۱۸} نویسنده نئوکلاسیک فرانسه در قالب نمایشنامه به رشته تحریر درآمده است.

قهرمانان تاریخی در افسانه‌ها غالباً بردبار، وفادار و وظیفه‌شناس هستند و قوانین طبیعی و اجتماعی را به ناهنجاری نمی‌کشانند، بلکه در به نهار رساندن قوانین شکسته شده و درهم ریخته تلاش می‌کنند و الگوهای مناسبی برای حفظ ارزش‌های ملی به شمار می‌روند.

برجستگی شخصیتی در میان قهرمانان رمانتیک و تاریخی افسانه‌ها ناشی از توانایی و قدرت آنان در کسب فضیلت‌های انسانی است که

متکی بر حس وظیفه‌شناسی و عشق به هم‌نوع است. این نوع شخصیت مانند شخصیت جادویی افسانه‌ها نیز از نیروهای اکتسابی توانایی می‌یابد. با این تفاوت که در شخصیت جادویی عامل کمک‌رسان وجهه مادی پیدا می‌کند مثل کفش جادو و یا مهرگیا که در حالی که عامل پیش‌برنده و هدایتگر در شخصیت‌های قهرمانی، رمانتیک و تاریخی - افسانه‌ای فضیلت اکتسابی با تأکید بر جنبه‌های اخلاقی و معنوی و مهارتی مثل حس وظیفه‌شناسی السید و مهارت نظامی او و یا مهارت کمانکشی و یلهلم تل و یا آرش می‌باشد که تعیین‌کننده معیارها و ارزش‌های انسانی است.

افسانه‌های پهلوانی و رمانس‌هایی که شخصیت‌هایی برتر از انسان‌های عادی دارند از دوران رنسانس مقبولیت عام یافتند و منبع الهام بسیاری از آثار نمایشی در عرصه ادبیات شدند. از آنجا که اومانسیم یا انسان‌محوری، اندیشه فراگیر دوران بود و این شخصیت‌ها دارای توانایی‌های شگرف و خصوصیات برجسته و ایده‌آل رنسانس بودند، به‌آسانی در همه عناصر فرهنگی آن زمان رخنه کرده و به الگوهای قابل تقلید بدل شدند که دامنه این حضور تا به امروز در عرصه‌های مختلف ادبی از رمان گرفته تا نمایشنامه و فیلمنامه نیز کشانده شده است. در این تلفیق، وهم‌آمیزی عناصر فرهنگی گذشته و امروز که در پست‌مدرنیسم آن را معماری تخیل نامیده‌اند، نمایشنامه‌های بسیاری را می‌توان یافت که شخصیت‌های اصلی و محوری خود را از اساطیر، افسانه‌ها و یا قصه‌ها دریافت کرده و با مضمون‌های جدید درآمیخته‌اند. مشخصه این هنر که سادگی و کارآیی آن است، در واقع از تلاقی دنیای ابتدایی و ساده گذشته با دنیای پیشرفته و پیچیده امروز حاصل می‌شود و همین تضاد است

11. Nicoll, Allardyce:
World Drama.
U.K., London, George Harper and Co. Ltd. 1979.
12. Schechner, Richard and Schuman, Mady, Editors:
Ritual, Play, and Performance.
U.S.A., New York, New York, The SEABURY Press,
1976.
13. Styan, J.L.:
Modern drama in theory and Practice. vol2
U.K., Cambridge University Press, 1988.
14. Styan, J.L.:
Modern Drama in theory and Practice Vol.3.
U.K., Cambridge University Press 1988.
15. Tennyson, G.B.:
An Introduction to Drama.
University of California, Losangeles, 1967.
16. Thompson, Stith:
The folktale.
U.S.A., University of California Press, LTD. 1977.

پی‌نوشت‌ها:

۱. دنیس دیده‌رو (Denis Diderot) متفکر فرانسوی (۱۷۸۴-۱۷۱۳).
۲. ادب و منتقد فرانسوی (۱۹۸۰-۱۹۱۵) Roland Barthes.
۳. تراژدی یونانی اثر سوفکل. Oedipus Rex.
۴. Antigoné تراژدی یونانی اثر سوفکل.
۵. شاهنامه فردوسی و تراژدی آنتی نوشته خجسته کیا ص. ۴۱
Jan Kott, Manger les dieux. Payot, 1975.
۶. Macbeth تراژدی اثر شکسپیر.
7. Mephistophilis
8. Robinhood
9. Viola
10. Romeo and Juliet
11. Othello
12. Desdemond
13. Wilhelm Tell
14. Julius Caesar
۱۵. Willam Shakespeare سبب‌نامه نویس انگلیسی
(۱۶۱۶-۱۵۹۴).
16. Lecid
17. Rodogune
۱۸. Pierre Corneille نمایشنامه نویس فرانسوی (۱۶۸۴-۱۶۰۶).

که می‌تواند برداشت‌های متفاوت را در میان مخاطبان ایجاد کند و نوعی استمرار ارتباط را از طریق شخصیت‌هایی که از دیرباز عنصر تعیین‌کننده در آثار تخیلی بوده‌اند باعث شود.

فهرست منابع و مآخذ:

- آزادگان، جمشید: ادیان ابتدایی، تحقیق در تونیم.
مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۷۲.
- فاطمی، سعید: مجموعه مقالات در باره اساطیر. *
نشریه بنیاد، سال اول، ۱۳۵۶.
- پانسا، ابراهیم: طرحی برای مطالعه هنر از دیدگاه جامعه‌شناسی.
انتشارات نوشته، ۱۳۵۵.
1. Birringer, Johannes:
theater, theory, Postmodernism.
U.S.A., Indiana University Press, 1993.
2. Boal, Augusto:
Theater of the Oppressed.
U.S.A., New York, Urizen Books, INC. 1979.
3. Brook, PETER:
Shifting Point.
U.S.A., NEW York, New York, 1987.
4. Dorson, Richard M.:
Folklore and Folkife.
U.S.A., University of Chicago Press, 1972.
5. Figes, Eva:
Tragedy and Social Evolutiori.
U.S.A., New York, PERSEA Books, 1990.
6. Frye, Northrop:
Anatomy of Criticism.
U.S.A., Princeton University Press, New Jersey, 1971.
7. KAMINSKY, Jack:
Heget on Art.
U.S.A., New York, Thestate University of New York
1962.
8. Lukacs, Georg:
Writer and Critic.
U.K., London, Merlin Press LTD. 1970.
9. Mercatante, A.S.:
Good and Evil.
U.S.A., New York, Harper and Row, 1978.
10. Morford, M.P.O. and Lenardon, R.I.:
Chlassical Mythology.
U.S.A., New York, David Mc KAY co, INC., 1976.